



حرمت فکر و متفکران را نگه داریم/ فلسفه مجال بحث و چون و چراست

همه حکیمان و فلاسفه اعم از هندی و چینی و ایرانی همه بزرگ هستند، گفت: فلسفه مجال بحث و چون و چراست؛ همه ما که اهل فلسفه هستیم نه فقط حق داریم بلکه باید اهل گفت و چون و نظر باشیم. فلسفه محل تقلید نیست.

دکتر رضا داوری اردکانی عصر روز گذشته در مراسم افتتاحیه دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های پژوهشی بنیاد حکمی و فلسفی دکتر احمد فردید با بیان اینکه حرمت فکر و متفکران را نگه داریم. همه حکیمان و فلاسفه اعم از هندی و چینی و ایرانی همه بزرگ هستند، گفت: فلسفه مجال بحث و چون و چراست؛ همه ما که اهل فلسفه هستیم نه فقط حق داریم بلکه باید اهل گفت و چون و نظر باشیم. فلسفه محل تقلید نیست.

به گزارش خبرنگار مهر، مراسم افتتاحیه دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های پژوهشی بنیاد حکمی و فلسفی دکتر احمد فردید با سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، عصر روز گذشته 15 شهریورماه در محل این بنیاد برگزار شد. داوری اردکانی گفت: جهان، جهان پروپاگاندا و تبلیغات است، با پروپاگاندا و تبلیغات می شود چیزی را خوب جلوه داد یا آنرا از اعتبار انداخت اما با تبلیغات و پروپاگاندا نمی توان چیزهای بزرگ را ناچیز نشان داد و یا ناچیزها را بزرگ نشان داد. اگر کسی صاحب نظر و هنر است؛ نظر و هنر پوشاندنی نیست آشکار می شوند طبعش آشکارشدگی است. بنابراین کوشش بیهوده نکنیم که بخواهیم اثر متفکری را محو کنیم.

وی افزود: فلسفه مجال بحث و چون و چرا است؛ همه ما که اهل فلسفه هستیم نه فقط حق داریم بلکه باید اهل گفت و چون و نظر باشیم. فلسفه محل تقلید نیست. وقتی احکام عملی و عبادی داریم باید از مجتهد جامع الشرایط تقلید کنیم، اما در فلسفه و تفکر جایی برای تقلید نیست. همه اگر اهل فلسفه هستیم به حکم فلسفه موظف به فکر کردن هستیم. اما به حکم همان فلسفه حق انکار و نفی نداریم. فلسفه را می آموزیم که مسائل زمان را دریابیم. دانستن اینکه وجود اصیل است یا ماهیت؛ مشکلی از مشکلات ما را حل نمی کند وقتی حل می کند بدانیم که مبنا و مبدأ چه مسائلی می شود و در حل چه مسائلی به ما کمک می کند.

رئیس فرهنگستان علوم در ادامه سخنانش اظهارداشت: فلسفه آموختن، مقدمه فکر کردن است و در این فکر کردن قطعا با فلسفه ای موافقیم و با فلسفه هایی نیز مخالفیم اما حرمت همه فلاسفه را حفظ می کنیم. بعضی از کتابها از جمله آثار داستایوفسکی است که خواندن آنها آدم را دیوانه می کند اما کتاب مثل نیکوماخوس ارسطو کمتر آدم را دچار پریشانی می کند. وقتی این کتاب را خواندم قدری منقلب شدم، آیا این حرفها را فیلسوف سده چهارم قبل از میلاد گفته است که سیاست را بر مبنای دوستی بیان می کند. اما در دوره جدید هابز می گوید انسان، گرگ انسان است؛ اما باید با قرارداد زندگی کنیم، در فلسفه ارسطو قرارداد وجود ندارد قراردادش دوستی است.

داوری اردکانی تصریح کرد: ما به فیلسوفان احترام می کنیم در عین حال ممکن است بعضی از نظراتشان را نپسندیم، هیچ کدام از فیلسوفان از سقراط تاکنون نمی توان از آنها چیزی یاد بگیریم. گاهی با عینک سیاست به فلسفه نگاه می کنیم با این نگاه فلسفه دیگر فلسفه نیست سیاست و نظر سیاسی جای خود را دارد؛ سیاست را نمی توان در مقابل فلسفه گذاشت. اگر فیلسوفی را دوست نداریم اهل انصاف باشیم با فلسفه اش مخالفت کنیم فلسفه اش را درک کنیم اما با فلسفه و فلاسفه دشمنی نکنیم. این کار، کار زشتی است، اما هر کاری در سیاست برای خراب کردن افراد مباح است.

وی افزود: فلسفه و شعر بنیانگذاران اما این بنیانگذاری را در نمی یابیم و سخن جدا جدای فیلسوف را برای خودمان نامطلوب می یابیم؛ از این رو با فیلسوف هم دشمنی می کنیم. من از وجود هیچ شخص و فیلسوفی نمی خواهم دفاع کنم ولی از فلسفه دفاع می کنم. حداقل وظیفه شاگردی که باید ادا کنم این است که بگویم یکی از مظلومین تاریخ دوره ما مرحوم فردید بود. عیب بزرگش این نبود که در معاشرت گفتار و رفتار ملاحظه نمی کرد و با این سیاست و آن سیاست مخالفت یا موافقت می کرد عیبش این بود که فکر می کرد. این فکر کردنش مهم بود. اینکه ما کی هستیم و کجا هستیم؛ خیلی به فهم مردم در نمی آید، مردم علاقه ای هم به آن نشان نمی دهند. مفهوم غربزدگی این نیست که این جور لباس بپوشیم یا اینجوری غذا بخوریم و اینجوری حرف بزنیم؛ جهان است که چنین اوصافی دارد جهان به صورتی در آمده که در مصیر خاص است و به یک مصیر خاصی می رود. ما هم هستیم ما چه می گوئیم.

رئیس فرهنگستان علوم عنوان کرد: فیلسوف و شاعر کار نمی کنند. فلسفه و شعر کار نیست، آنها از دسترنج دیگران استفاده می کنند اما طرح این بنا را فیلسوفان و شاعران درانداختند. اگر سعدی را نداشتیم در زبان فارسی چه اتفاقی می افتاد؟ اگر مخالف فلسفه یا فکری هستیم با آن فکر بحث کنیم اما دشمنی با فلسفه نکنیم. فلسفه دشمن هیچ چیزی نیست. فلسفه و فلاسفه بر هم زننده جهان هستند اما به قصد زیان زدن به کسی این کار را نمی کنند؛ تفکر می کنند با تفکراتشان تحول در عالم ایجاد می کنند.

داوری اردکانی بیان داشت: اگر می توانستیم سیاست خودمان را داشته باشیم و حرمت فکر را هم رعایت کنیم آن وقت مقام بزرگی داریم. مرحوم فردید حرفهایی زد که قابل بحث بود اهل فلسفه می توانستند با آن بحث و نزاع کنند. هیچ کس هم نمی

تواند بگوید هر چیزی که گفته وحی منزل بوده و قابل چون و چرا نیست، ولی هیچ کس نیامد مطالبش را طرح کند. بعضی ها می گویند از تفکر فردید داعش بوجود می آید ولی من می گویم که فیلسوف اگر با دوستانش لحن تندى داشته باشد داعش ساز نیست. هیچ وقت حماقت و عمل کورکورانه را تصدیق نمی کند. نسبت دادن این چیزها با فیلسوف دشمنی با شخص نیست بلکه مقابله با فلسفه است.

وی گفت: شاعران و فیلسوفان که احوالات غیرعادی دارند اقتضای فلسفیدن و شعر گفتنش است نه اینکه چنین نقصی داشتند که شاعر و فیلسوف شدند. ما از شاعر و فیلسوف، تجارت کردن و ره توشه نمی آموزیم اما از آنها طلب شعر و فلسفه می کنیم. با سیاست به مقابله با فلسفه نرویم. این مقابله بیهوده است. بی ثمر نیست ممکن است در کوتاه مدت بهره برداری کنیم اما در درازمدت سیاست، سیاست است و فلسفه، فلسفه است و کار خودشان را می کنند. فلسفه ای که اقتضای قبولی سیاستی را نمی کند ممکن است آن سیاست را آن چنان که دیگران زشت می شمارند، زشت نمی شمارد.

داوری اردکانی در پایان سخنانش گفت: حرمت فکر و متفکران را نگه داریم. همه حکیمان و فلاسفه اعم از هندی و چینی و ایرانی همه بزرگ هستند. ممکن است با بعضی از افکارشان مخالف باشیم مخالفت ما اگر جدی باشد حکایت از بزرگی ما دارد یعنی ما هم وارد وادی آنها شده ایم و اگر بزرگ نباشد بوالفضولی کرده ایم؛ فلسفه نباید با بوالفضولی همراه باشد.